



تظاهرات مردمی در دفاع از حقوق زنان و برابری بیش از روز جهانی زن، ۴ مارس ۲۰۱۷، جاکارتا، اندونزی. (منبع: رویترز / فاطمه الکریم)

سازمان‌دهی زنان برای تغییر: قانون‌گذاری در اندونزی برای ریشه‌کن کردن خشونت خانگی

چشم‌انداز و انگیزه

خشونت علیه زنان از مدت‌ها پیش برای اندونزی عامل نگرانی بوده است. در اواخر دهه ۱۹۹۰ در آخرین سال‌های حکومت دیکتاتوری رئیس‌جمهور سوهارتو (۱۹۶۶ - ۱۹۹۸) زنان اندونزی برای برخورد با این معضل اقدام به سازمان‌دهی کردند. خشونت خانگی امری خصوصی محسوب می‌شد که در باورهای دینی ریشه داشت؛ باورهایی که مرد را در صدر خانواده قرار می‌داد. ایدئولوژی جنسیت‌گرای رژیم سوهارتو بر نقش «طبیعی» زن به عنوان همسر و مادر تأکید داشت و سوهارتو سازمان‌هایی برای زنان ایجاد کرده بود که این دیدگاه را تبلیغ کنند. با وجود این، در اواخر دهه ۱۹۸۰ سازمان‌های غیردولتی جدیدی به راه افتادند که بر موضوع حقوق زنان و حمایت از زنانی که قربانی خشونت شده بودند، تمرکز داشتند.

در ژانویه سال ۱۹۹۸ شورش‌های سراسری آغاز شد. خشونت‌ها به دلیل قیمت‌های سرسام‌آور مواد

غذایی آغازیدن گرفت و خشونت‌های فرقه‌ای به آن دامن زد. در جریان این تظاهرات، خشونت جنسی گسترده‌ای علیه زنان چینی تبار صورت گرفت. این خشونت‌ها ادامه یافت تا این که در ماه مه ۱۹۹۸ سوهارتو سرنگون و گذار آرام به دموکراسی آغاز شد. برگزاری انتخابات مستقیم، خودگردانی بیش‌تر در سطح محلی، شکل‌گیری احزاب سیاسی جدید و آزادی بیش‌تر بیان، مطبوعات و گردهمایی موجب بازشدن کانال‌های جدیدی برای زنان شد تا از این طریق خواسته‌های خود را اعلام کنند و بر سیاست تاثیر بگذارند. سازمان‌های زنان به‌سرعت از این فرصت‌ها استفاده کردند. زنان نیز به دنبال باخبرشدن از خشونت جنسی گسترده در جریان تظاهرات، انگیزه بیش‌تری برای فعالیت پیدا کردند. این واقعه منجر به تظاهرات سراسری در حمایت از حقوق زنان شد که به همراه فضای بازتر سیاسی، به تلاش‌های بی‌سابقه‌ای برای پیشبرد آزادی‌ها و حقوق زنان انجامید.

اهداف و مقاصد

اگرچه قانون کیفری اندونزی مجازات‌هایی برای خشونت فیزیکی علیه زنان در نظر گرفته بود، این مجازات‌ها به‌ندرت اعمال می‌شد. به علاوه این قانون شامل تجاوز به همسر (تجاوز زناشویی) نمی‌شد. هنجارهای اجتماعی غالب، اکثراً مانع اعتراض قربانیان می‌شد و پلیس به ثبت گزارش‌های خشونت خانگی تمایل چندانی نشان نمی‌داد.

یکی از اولویت‌های فعالان تصویب قانونی بود که خشونت خانگی را جرم اعلام کند. چنین قانونی باید شامل تعریفی مشخص از خشونت خانگی به عنوان آزار فیزیکی، جنسی، روحی و اقتصادی علیه تمامی اعضای خانواده، از جمله کارگران خانگی، باشد. همچنین باید محافظت قانونی در برابر عاملان خشونت را در بر گیرد و مجموعه‌ای از خدمات از قبیل مشاوره را برای قربانیان خشونت فراهم کند.

گروه‌های زنان برای دستیابی به هدف نهایی‌شان - که قانون‌گذاری بود - به چند چیز نیاز داشتند؛ افزایش آگاهی عمومی درباره گستردگی خشونت خانگی، تغییر دیدگاه‌های اجتماعی و قانع کردن بازیگران اصلی به این امر که خشونت خانگی مشکلی است که نیاز به دخالت دولت دارد. در همین راستا یکی از اهداف مرتبط این بود که شبکه‌ها و اتحادیه‌هایی برای تبلیغ و دفاع از حقوق زنان تشکیل شود تا پیام آنان را تقویت کند و اجتماعی در جامعه برای حمایت از قانون خشونت خانگی ایجاد کند. یکی از فعالان حقوق زنان می‌گفت: «ما در حال تغییر دادن فرهنگ بودیم.»^۱

رهبری

انجمن زنان برای عدالت و کمک حقوقی (LBH APIK) رهبری جنبش ملی برای تصویب قانون مجرمانه‌شناختن خشونت خانگی را بر عهده داشت. در سال ۱۹۹۷ این سازمان پس از کمک به قربانیان خشونت خانگی، که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته بودند، شروع به تبیین استراتژی‌هایی برای آگاهی‌رسانی درباره این معضل کرد. این استراتژی‌ها شامل سازمان‌دهی کارگروهی درباره خشونت خانگی بود که نمایندگان سازمان‌های زنان، نمایندگان دانشگاه، مقامات انتظامی و رهبران دینی در آن

۱- دوی آسمارانی، «تلاش جدیدی برای حقوق زنان»، بازبینی استراتژیک، سپتامبر و جولای ۲۰۱۶: <http://www.sr-indonesia.com/in-the-journal/view/indonesian-women-vs-political-islam>

شرکت کردند.^۲

از درون این کارگروه و بر اساس بررسی قوانین کشورهای دیگر، این انجمن اولین نسخه قانون ضد خشونت خانگی را برای اندونزی تهیه کرد. در سال ۱۹۹۸ پس از سقوط سوهارتو، این انجمن کارگروهی دیگر در زمینه خشونت خانگی به راه انداخت؛ امری که به شکل گیری شبکه مبارزه برای حذف خشونت خانگی منجر شد که از پانزده گروه زنان شامل سازمان های مذهبی، گروه های کمک به قربانیان و مراکز زنان بحران زده تشکیل شده بود. رهبری استراتژیک انجمن در فرآیند دفاع از قربانیان موجب شکل گیری اتحاد های گسترده تری شد که در نهایت شبکه ملی مبارزه برای حذف خشونت علیه زنان (JANGKA PKTP) را خلق کردند. این شبکه به بازیگر کلیدی ایجاد جنبش علیه خشونت خانگی و اولین مذاکرات با دولت تبدیل شد.

شیوه رهبری LBH APIK و شبکه هایی که به وجود آورد، بر ایجاد اتحاد و اجماع تمرکز داشت. شبکه اولیه سازمان های زنان - که از طریق LBH APIK ایجاد شد - تا حدی رشد کرد که طیفی از فعالان جامعه مدنی از جمله سازمان های مذهبی و سنتی را در بر گرفت. همچنین گروه های حقوق بشری، محیط زیستی، حقوق کارگران مهاجر و گروه های دیگر به آن پیوستند؛ از جمله اتحاد مردان جدید، شبکه ای از مردان که از برابری جنسی حمایت می کردند، انجمن های شغلی، گروه های دانشجویی و احزاب سیاسی. فعالان در راستای ایجاد حمایت از قانون خشونت خانگی برای توصیف این معضل از واژگان و عباراتی استفاده کردند که برای گروه های مختلف ملموس و موجب ایجاد انگیزه بود. این بحث برای گروه های حقوق بشری مطرح شد که این قانون به پیشبرد حقوق اولیه زنان کمک خواهد کرد و از گروه های مذهبی خواسته شد با استفاده از مفاهیم اسلامی مانند هم نوایی خانواده از این قانون حمایت کنند. رهبران شبکه ملی (JANGKA PKTP) به طور مداوم و گسترده با اعضای شبکه گروه های دیگر مشاوره می کردند تا درباره این قانون بازخورد دریافت کنند و حمایت سازی کنند. پیشرفت به کندی و از طریق مذاکرات طولانی و پیچیده درباره جزئیات قانون پیشنهادی انجام شد.

فعالان شبکه ملی همچنین ارتباط هایی با افرادی درون دولت برقرار کردند. به دنبال تراژدی ماه مه و سقوط سوهارتو از قدرت، سازمان های زنان با موفقیت دولت را به تشکیل کمیسیون ملی خشونت علیه زنان وادار کردند. وظایف کمیسیون شامل آموزش عمومی، نظارت، حقیقت یابی، تحقیق، ارائه پیشنهاد برای تغییر قوانین و سیاست ها و ایجاد شبکه های ملی، منطقه ای و بین المللی بود. فعالان شبکه ملی، از نزدیک با کمیسیون همکاری کردند تا خواسته های خود را برای وضع قوانین خشونت علیه زنان مستقیماً به حکومت منتقل کنند. کمیسیون به عنوان واسطه و ابزار تبادل اطلاعات میان فعالان زنان و اعضای پارلمان، قوه اجرایی، کمیسیون های فنی و دیوان سالاران عمل کرد.

در سال های ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ همکاری فعالان زنان با بخش هایی از بدنه دولت از جمله کمیسیون و دفتر جدید تقویت زنان به تصویب برنامه اجرایی برای حذف خشونت علیه زنان منجر شد. در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ اعضای شبکه ملی مبارزه برای حذف خشونت علیه زنان مجموعه ای از فعالیت ها را با همراهی کمیسیون برنامه ریزی کردند تا به طور جدی برای حمایت از قانون خشونت خانگی به لابی در پارلمان بپردازد. به

۲- اطلاعات موجود در این بخش عموماً از دولت چه زمانی و چرا به خواسته های زنان پاسخ می دهد: درک تغییر قانون برابری جنسیتی در اندونزی (۲۰۱۶)، فصل ۴ گرفته شده است. در سال ۱۹۹۷ خشونت علیه زنی به نام نینگ رخ داده بود که شوهرش در قبال خشونت شدید علیه او، حکم بسیار سبکی دریافت کرد. این پرونده مورد توجه رسانه ها قرار گرفت و نینگ بعدها به نمادی در کمپین برای قانون خشونت خانگی تبدیل شد.

عنوان نمونه آن‌ها صفحاتی از اطلاعات مربوط به خشونت خانگی تهیه کردند و آن را در اختیار اعضای پارلمان قرار دادند. علاوه بر تلاش در مسیر قانون‌گذاری، هماهنگی فعالان زنان با بخش‌هایی از بدنه دولت در سطوح ملی و محلی به خلاقیت‌هایی در برنامه‌ریزی منجر شد؛ مانند اضافه‌شدن میز زنان در ادارات پلیس و ایجاد بخش ویژه خدمات زنان و کودکان در بیمارستان‌ها.

رهبری اجماع‌گرای شبکه ملی مبارزه برای حذف خشونت علیه زنان، منجر به تهیه نسخه اصلاحی قانون خشونت خانگی شد که گروه‌های مختلف زنان - فارغ از طبقه یا مذهب - و همچنین سازمان‌های حقوق بشری به شدت از آن حمایت می‌کردند. لایحه در سال ۲۰۰۲ به پارلمان ارائه شد و پس از دو سال با فشار بر دولت و پارلمان در سال ۲۰۰۴ به تصویب رسید.

فضای مدنی

سرنوشتی رژیم اقتدارگرای سوهارتو در سال ۱۹۹۸ منجر به گذار مرحله‌ای به دموکراسی شد. جان‌نشین سوهارتو و معاون اول او، بی‌جی حبیبی، بود. در مواجهه با فشارها برای اصلاحات و تظاهرات برای کناره‌گیری او از قدرت، حبیبی بسیاری از محدودیت‌های آزادی بیان و تجمعات را لغو کرد، محدودیت‌های احزاب سیاسی را برداشت و برای انتخابات در سال ۱۹۹۹ برنامه‌ریزی کرد. بیش از نود حزب برای رقابت در اولین انتخابات آزاد اندونزی بعد از چهار سال ثبت نام کردند. برنده انتخابات عبدالرحمان وحید بود که رهبری بزرگ‌ترین سازمان مسلمانان را بر عهده داشت. وحید نماینده اسلام میانه‌رو بود و یک اصلاح‌طلب دموکرات محسوب می‌شد. با وجود این، رهبری او مشکلات زیادی داشت و در سال ۲۰۰۱ اتهامات فساد به استیضاح او انجامید. جان‌نشین او معاون اول‌اش، مگاواتی سوکارنو پوترا، بود. مگاواتی یک ملی‌گرای میانه‌رو اصلاح‌طلب بود که تا انتخابات بعدی در سال ۲۰۰۴ بر مسند قدرت باقی ماند؛ همان سالی که قانون خشونت خانگی به تصویب رسید.

فضای سیاسی بازتری که از سال ۱۹۹۸ به بعد ایجاد شد به شهروندان امکان داد فعالانه به سازمان‌دهی و دفاع از خواسته‌های خود بپردازند. بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ اندونزی بر اساس ارزیابی خانه آزادی از آزادی‌های مدنی و سیاسی، از دسته «غیر آزاد» به دسته «تا حدی آزاد» ارتقا پیدا کرد. برای نشان دادن ماهیت در حال تغییر رابطه دولت و جامعه، حبیبی در فاصله‌ای کم‌تر از چند ماه پس از رسیدن به ریاست جمهوری به خواسته‌های سازمان‌های زنان پاسخ داد و کمیسیون ملی خشونت علیه زنان را به راه انداخت. تا اوایل سال ۲۰۰۰ بسیاری از گروه‌های حقوق بشری موثر و فعال شکل گرفته بودند. گروه‌های زنان که تا آن زمان در اطراف پایتخت متمرکز شده بودند، در سراسر کشور گسترده شدند. رسانه‌ها نسبتاً آزاد و پرتلاش بودند و دولت عموماً حقوق مدنی، اقتصادی و سیاسی گروه‌ها را برای سازمان‌دهی و فعالیت مدنی به رسمیت می‌شناخت و از آن‌ها حمایت می‌کرد.

در اوایل سال ۲۰۰۰، همان‌طور که از کشوری «تا حدی آزاد» انتظار می‌رفت، دخالت‌ها و نظارت‌هایی از سوی دولت بر گروه‌های حقوق شهروندی انجام گرفت. تحت حکومت مگاواتی، به دلیل اجرای قانونی که توهین به رییس‌جمهور و معاون اول را جرم می‌دانست، تعداد زندانیان سیاسی افزایش پیدا کرد. همچنین مشکلاتی چون فساد لجام‌گسیخته - از جمله درون قوه قضائیه - خشونت‌های قومی و مذهبی و اقتصاد بی‌ثبات گریبان‌گیر دولت‌های بعدی شد. در سال ۲۰۰۴ اندونزی در زمینه شفافیت و شاخص فساد بین‌المللی از میان ۱۴۶ کشور رتبه ۱۳۳ را داشت. با وجود این، فضای دموکراتیک درها را به روی فریاد مردم برای رسیدن به حقوق اولیه خود و دولت پاسخ‌گو و مسئول باز کرد.



زنان اندونزیایی در کارزاری علیه خشونت خانگی. منبع: GRSNEWS

پیام و مخاطب

پیام فعالان حقوق زنان بسیار صریح بود: خشونت علیه زنان امری عمومی است، نه خصوصی و باید جرم تلقی شود تا مرتکبان آن مجازات شوند. کمپین‌ها مخاطبان مختلفی را هدف قرار دادند تا بتوانند دیدگاه‌ها را عوض کنند و برای تغییرات قانونی پشتیبان ایجاد کنند. استراتژی کلیدی به کار گرفته شده برای درگیر کردن این گروه‌های مختلف، ایجاد شبکه‌های گسترده بود. این نیز شامل استراتژی‌های گفت‌وگو، مذاکره و چانه‌زنی بود. به عنوان مثال اعضای شبکه در طول چندین سال به مشاوره و بحث درباره نسخه اولیه قانونی که شبکه ملی مبارزه برای حذف خشونت علیه زنان تعیین کرده بود، پرداختند. اگرچه این امر نیازمند زمان و کوتاه آمدن‌هایی بود، توانست اتحاد بر سر هدف و هم‌صدایی را افزایش دهد و به موفقیت نهایی جنبش کمک کند. شبکه‌های فعالان به سراغ گروه‌ها و رهبران مذهبی رفتند تا نظرات آنان را درباره مشکل خشونت خانگی جویا شوند، با آنان به تبادل نظر پردازند و زمینه‌های مشترکی پیدا کنند. آنان هوشمندانه دیدگاه‌های خود را در چارچوب‌های مطابق با نظریات مذهبی قرار دادند؛ مثلاً با استفاده از اصل قرآنی سکینه، به معنی خانواده امن و دوستانه. فعالان شبکه ملی - که عضو سازمان مسلمان *Fatayat-NU* بودند - از این روش برای قانع کردن رهبران مذهبی و به دست آوردن حمایت آنان استفاده کردند.^۳ رسانه‌های سراسری و اجتماعی برای افزایش آگاهی و ایجاد پشتیبانی از طریق روایت کردن داستان‌های قربانیان، به کار گرفته شدند. همچنین تلاش‌ها برای جلب حمایت افرادی مشخص در دولت آغاز شد. اعضای شبکه از ارتباطات شخصی خود در دولت و پارلمان برای قانون گذاری استفاده کردند. فعالیت‌های لابی‌گری در پارلمان برای حمایت از این قانون با کمیسیون ملی زنان هماهنگ می‌شد؛ از جمله ایجاد میز اطلاعات در پارلمان که مدارک و اطلاعاتی در زمینه خشونت خانگی ارائه می‌کرد.^۴

در سال ۲۰۰۲ قانونی که شبکه ملی طراحی کرده بود از سوی یکی از اعضای پارلمان، که از موسسان

۳- کاگا، پائولا و نتیا راو، «جنبش فمینیستی برای تغییر قانون خشونت علیه زنان: داده‌هایی از اندونزی»، جنسیت و پیشرفت، جلد ۲۴، شماره ۲، صص ۲۷۷-۲۹۰.

۴- دولت چه زمانی و چرا به خواسته‌های زنان پاسخ می‌دهد: در ک تغییر قانون برابری جنسیتی در اندونزی، ۲۰۱۶، صفحه ۳۸.



زنان در حال شرکت در تظاهرات در حمایت از قانون مقابله با خشونت خانگی، جاکارتا، اندونزی، ۲۰۰۴. منبع: [Komnas Perempuan](#)

LBH APIK نیز بود، در پارلمان مطرح شد. نکته جالب این که مناظرات پارلمانی به دلیل عدم کنش از سوی اولین رییس جمهور زن اندونزی، مگاواتی سوکارنو پوتری، به تعویق افتاد.^۵ شبکه ملی مبارزه برای حذف خشونت علیه زنان در پاسخ به این موضوع فعالیت‌های خود را افزایش داد تا این قانون پیش از پایان دوره مگاواتی به تصویب برسد و این روند با شروع به کار پارلمان و دولت جدید از سر گرفته نشود. آن‌طور که یکی از اعضای زن پارلمان توضیح داد او «به طور مداوم گریبان‌گیر» رؤسای کمیسیون‌های مربوطه می‌شد و به آنان می‌گفت که این «مبارزات زنان است و زنان به این قانون نیاز دارند» پس نمی‌توان آن را به کناری گذاشت.^۶ فعالان زنان شبکه با استفاده از رأی‌های خود اعلام کردند اگر مگاواتی قانون را به تصویب نرساند از انتخاب مجدد او حمایت نخواهند کرد. هم‌زمان شبکه ملی برنامه‌های بزرگی چون «تظاهرات چتر» را به راه انداخت - که در آن هزاران زن چترهایی را در دست گرفتند که نماد محافظت قانون مذکور از آنان بود - و همچنین به لابی کردن با احزاب سیاسی حامی رییس جمهور مشغول شد. هنگامی که پارلمان مشغول بحث درباره این قانون بود ناظران زن به بالکن‌های ساختمان مجلس هجوم بردند تا حمایت خود را از این قانون نشان دهند. تلاش‌های آنان نتیجه داد؛ پارلمان قانون حذف خشونت خانگی را در سپتامبر ۲۰۰۴ به تصویب رساند و بیش‌تر خواسته‌های فعالان را در آن گنجاند.

فعالیت‌های حمایتی

سازمان‌های بین‌المللی و فرامللی، آژانس‌های توسعه و بنیادهای خصوصی با ارائه کمک مالی و ظرفیت‌سازی از جنبش زنان اندونزی و تلاش‌های آنان حمایت کردند. به عنوان مثال LBH APIK از

۵- رییس جمهور مگاواتی صدور حکم اجرایی لازم برای بررسی طرح را در پارلمان به تعویق انداخت. ر.ک: ادیونو و دیگران، ۲۰۱۶، صفحه ۴۰.

۶- همان، صفحه ۳۹.



کالینامیترا «کنشگران زن در یوگیا کارتا یادبود IWD را جشن گرفته‌اند»، منبع: [Indosoft](#)

رابطه‌اش با گروه زنان، قانون و توسعه آسیای شرقی بهره‌مند شد که شبکه‌ای منطقه‌ای است و حمایت‌های آنان و آموزش‌های‌شان به LBH APIK برای ایجاد یک چارچوب تحلیلی و قانونی و هدایت جنبش ملی برای وضع قانون خشونت خانگی کمک کرد. کنوانسیون‌های بین‌المللی و چارچوب‌های هنجاری نیز به زنان کمک کرد خواسته‌های خود را مشروعیت دهند و پیش ببرند. اندونزی در سال ۱۹۸۰ کنوانسیون حذف تمامی انواع خشونت علیه زنان (CEDAW) را تصویب کرد. شبکه‌های سازمان‌های غیردولتی زنان از این کنوانسیون برای پاسخ‌گو کردن دولت در وظیفه‌اش برای احترام گذاشتن به معضلات زنان استفاده کردند. ایجاد یک شبکه نظارتی CEDAW در سال ۱۹۹۸ در اندونزی حمایت ناظران فعال بین‌المللی حقوق زنان را در پی داشت. این شبکه تحت نام کارگروه CEDAW، اطلاعات و داده‌ها را جمع‌آوری می‌کند که برای نوشتن گزارشات موازی برای کمیسیون کنوانسیون یادشده مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۷ زنان سازمان‌های غیردولتی اندونزی همچنین در کارگروه‌های منطقه‌ای مشارکت کردند و گزارش‌هایی درباره نحوه اجرای سکوی اجرایی پکن در کشور تهیه کردند. سکوی اجرایی پکن نقش‌های برای پیشبرد حقوق زنان بود که در چهارمین کنفرانس زنان در پکن چین در سال ۱۹۹۵ تهیه شد.^۸ برنامه ملی حذف خشونت علیه زنان، که در سال ۲۰۰۰ به اجرا درآمد، اشاره به هنجارها و وظایفی دارد که در برنامه CEDAW و سکوی اجرایی پکن ذکر شده بود.

با این‌همه اگرچه چالش‌های بسیاری وجود دارد، سازمان‌دهی زنان برای تغییر نقشی حیاتی در پیشبرد عدالت و برابری جنسیتی برای زنان اندونزی بازی کرده است. از سال ۱۹۹۸ سازمان‌های زنان به سراسر

۷- بنگرید به:

<http://asiapacific.unwomen.org/en/focus-areas/cedaw-human-rights/indonesia>

۸- رجوع کنید به:

<http://beijing20.unwomen.org/en/about>

<http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/pdf/BDPfA%20E.pdf>

کشور گسترش پیدا کرده‌اند و اهداف گسترده‌ای را از قبیل حقوق محیط کار، پذیرش اجتماعی جنسیت‌ها، حق خودمختاری بدنی و جنسی، دسترسی به عدالت و اهداف دیگر دنبال کرده‌اند. رفتارها در قبال حقوق زنان و برابری جنسیتی به آرامی در حال تغییر است. آن‌طور که یک فعال توصیف می‌کند: «من برای مدتی طولانی قانون مطیع‌بودن را در خود درونی کرده بودم ... اما امروز ما قانون خشونت خانگی را داریم. ... این قانون چشمان من را باز کرد و من اکنون از آن برای باز کردن چشمان هزاران زن دیگر در روستاها استفاده می‌کنم. ما درباره حقوق خود و این واقعیت که کتک خوردن توسط همسران مان امری طبیعی یا خدادادی نیست بلکه یک بی‌عدالتی شدید است، بحث می‌کنیم.»^۹

۹- فرنک وان لیرد، «جستجوی آن چهره دیگر: رهبران مسلمان زن و افراط‌گرایان خشن در اندونزی»، کوردید/کولوفون، ۲۰۱۳. <https://s3.amazonaws.com/berkeley-center/130305/CordaidLookingThatOtherFaceWomenMuslimLeaders-ViolentExtremismIndonesia.pdf>

بیش‌تر بدانید:

اخبار و تحلیل

- سری ویانتی ادیونو؛ استو فنانی؛ دینی آنتیاساری صحبانیاه؛ یورا موریس؛ حیزبه غزالی؛ جونی وارلیف؛ سیسیلیا ولایتی؛ فرحا سیچیک، ۲۰۱۶، «دولت چه زمانی و چرا به خواسته‌های زنان پاسخ می‌دهد: درک تغییر قانون برابری جنسیتی در اندونزی»، موسسه تحقیقات توسعه اجتماعی سازمان ملل. در: [http://www.unrisd.org/unrisd/website/document.nsf/\(httpPublications\)/695474BA6D-066870C1257FF60053961A?OpenDocument](http://www.unrisd.org/unrisd/website/document.nsf/(httpPublications)/695474BA6D-066870C1257FF60053961A?OpenDocument)
- خانه آزادی، آزادی در جهان، گزارش کشور اندونزی. سال‌های مختلف در: <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2017/indonesia>
- خانه آزادی، «کشورهای بر سر دوراهی، ۲۰۱۴»: <https://freedomhouse.org/report/countries-crossroads/2004/indonesia>
- قانون حذف خشونت خانگی (قانون شماره ۲۳/۲۰۰۴). متن کامل در: http://www.ilo.org/dyn/natlex/natlex4.detail?p_lang=en&p_isn=91238&p_country=IDN&p_count=612&p_classification=01.04&p_classcount=12
- ریفکا آتینسا، «مشاوره‌دادن به مردان ساکت برای توقف همسر آزاری‌شان: مطالعه موردی یوگیا کارتا، اندونزی»، زنان سازمان ملل، ۸ آگوست ۲۰۱۶: <http://asiapacific.unwomen.org/en/news-and-events/stories/2016/08/counselling-silent-men-to-stop-beating-their-wives>
- «بیانیه و سکوی اجرایی پکن»، سازمان ملل، سپتامبر ۱۹۹۵: <http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/pdf/BDPfA%20E.pdf>
- «بیانیه و سکوی اجرایی پکن ۲۰ ساله می‌شود»، زنان سازمان ملل: <http://beijing20.unwomen.org/en/about>

کتاب‌ها و مقالات

- دوی آسمارانی، «تلاش جدیدی برای حقوق زنان»، بازبینی استراتژیک، سپتامبر و جولای ۲۰۱۶: <http://www.sr-indonesia.com/in-the-journal/view/indonesian-women-vs-political-islam>
- کاگانا، پائولا و نیتیا راو، «جنش فمینیستی برای تغییر قانون خشونت علیه زنان: داده‌هایی از اندونزی»، جنسیت و پیشرفت، ۲۰۱۶، جلد ۲۴، شماره ۲، صص ۲۷۷-۲۹۰.
- لیلی زکیه مونیر، «خشونت خانگی در اندونزی»، مجله حقوق بشر جهان اسلام، ۲۰۱۶، جلد ۲، شماره ۱، صص ۱-۳۷: http://www.lfip.org/laws718/docs/lily-pdf/Domestic_violence.pdf

-
- فرنک وان لیرد، «جستجوی آن چهره دیگر: رهبران مسلمان زن و افراط گرایان خشن در اندونزی»، کوردید/کولوفون ۲۰۱۳.
<https://s3.amazonaws.com/berkley-center/130305CordaidLookingThatOtherFace-WomenMuslimLeadersViolentExtremismIndonesia.pdf>

ویدیوها

- محافظت از زنان و دختران در اندونزی:
<https://www.youtube.com/watch?v=DjgrIX1na3Y>